

① ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾:

- ۱) هرکس به خداوند و روز دیگر ایمان آورد و کار نیکی انجام داد پس اجرشان را نزد پروردگارشان دارند!
- ۲) هرکس به الله و روز آخرت ایمان آورد و کاری شایسته انجام داد پس پاداشش را نزد پروردگارشان دارند!
- ۳) هرکس به خداوند و روز قیامت ایمان آورد و کار نیکی انجام داد پس پاداش خودشان را نزد پروردگار دارند!
- ۴) هرکس به الله و روز آخرت ایمان آورد و کاری نیک انجام داد پس مزدشان را نزد پروردگار خودشان دارند!

② «مَرِيْمُ جَلَسَتْ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهَا حَزِينَةً وَبَدَأَتْ بِالْبُكَاءِ فَجَاءَهُ وَذَهَبَتْ إِلَى عُرْفَتِهَا»:

- ۱) مریم غمگین همراه خانواده اش بر سر سفره نشست و یکدفعه شروع به گریه کردن کرد و به سوی اتاقش آمد!
- ۲) مریم همراه خانواده اش ناراحت بر سر سفره نشسته بود و ناگهان شروع به گریه کردن کرد و به اتاق رفت!
- ۳) مریم غمگین با خانواده بر سر سفره نشسته بود و یکدفعه شروع به گریه کرد و به اتاقش آمد!
- ۴) مریم با خانواده اش ناراحت بر سر سفره نشست و ناگهان شروع به گریه کرد و به سوی اتاقش رفت!

③ ترجمه صحیح را انتخاب کنید:

- ۱) یا زمیلتی! ما بک؟ لِمَ أَنْتِ حَزِينَةٌ؟ ماذا حَدَثَ؟! ای همکلاسی! تو را چه شده است؟ چرا تو ناراحت هستی؟ چه اتفاقی افتاده است؟!
  - ۲) نَادَتْ الْمَعْلَمَةَ طَالِبَةً فِي الْكُرْسِيِّ الْآخِرِ وَ سَأَلَتْ مِنْهَا سَوْألاً صَعَباً! معلّم دانش‌آموز را در صندلی آخر صدا کرد و از او سؤال را پرسید!
  - ۳) رَقَدَتْ فِي الْمُسْتَشْفَى ثُمَّ جَاءَتْ طَبِيبَةً وَ فَحَصَهَا وَ قَالَتْ لَهَا: در بیمارستان بستری شد، سپس پزشکی آمد و او را معاینه کرد و به او گفت!
  - ۴) فِي يَوْمٍ الْأَحَدِ تَلَكِ الْمَرْأَةُ الْبَائِعَةَ بَاعَتِ الصَّحِيفَةَ فِي الرَّصِيفِ! در روز یکشنبه آن زن فروشنده روزنامه ها را در پیاده رو فروخت!

④ ترجمه صحیح را انتخاب کنید:

- ۱) أبدأ باسم الله أموري/فإسم الهی زاد سُروری! کارهایم را با نام الله شروع می‌کنم و نام پروردگارم شادیم را افزایش می‌دهد!
- ۲) رقد حسین فی مستوصف قریب من بیته! حسین در بیمارستانی نزدیک خانه‌اش بستری شد!
- ۳) ﴿لکم فیها فواکه کثیرة و منها تأکلون﴾: برای شما در آن میوه‌های بسیاری است و از آن می‌خورند!
- ۴) ﴿الذین یجعلون مع الله إلهاً آخر فسوف یعلمون﴾: کسانی که همراه الله پروردگاری دیگر قرار می‌دهند، پس خواهند دانست!

⑤ ترجمه کدام عبارت نادرست است؟

- ۱) «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ»: هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، پس قطعاً من نزدیک هستم!
- ۲) الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ: حسادت، خوبی‌ها را می‌خورد، همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد!
- ۳) إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ: قطعاً نیاز مردم به شما نعمتی از خداوند است!
- ۴) أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ: بیشتر گناهان آدمیزاد در زبانش است!

⑥ عین الصحیح فی الجواب للترجمة :

«قال كم لبثت قال لبثت يوماً أو بعض يومٍ قال بل لبثت مائة عامٍ فانظر إلى طعامك و شرابك»: گفت: ...

- ۱) چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بعضی روزها. گفت: بلکه هزار سال درنگ نمودی، پس به غذا و نوشیدنی‌ات بنگر!
- ۲) چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کردم. گفت: بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر!
- ۳) چند بار درنگ کرده‌ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز. گفت: بلکه صدها سال، پس به غذایت و نوشیدنی‌ات نگاه کن!
- ۴) چقدر درنگ نموده‌ای؟ گفت: روزی را یا بخشی از روزی را. گفت: صد سال درنگ کردی، پس به نوشیدنی و خوراکت می‌نگری؟

⑦ عین الصحیح:

- ۱) «الكلام كالدواء، قليله ينفع و كثيره قاتل.»: سخن مانند دارویی است که اندکش سودرسان و بسیارش گشنده است.
- ۲) «شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن»: ماه رمضان (ماه‌ی) است که قرآن در آن نازل شده است.
- ۳) «كان كاظم ناجحاً في المسابقة لأنه أخذ جائزة ذهبية.»: کاظم در مسابقه موفق شد و جایزه طلایی را گرفت.
- ۴) «أنا أذهب إلى البيت وحدي و ذلك الولد يذهب مع زملائه.»: من به تنهایی به‌خانه می‌روم و این پسر به همراه دوستان خود می‌رود.

⑧ «هل تعلم أن التِّفْظَ يُنْقَلُ مِنَ الْأَبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى الْمَصَافِي عِبْرَ الْأَنْبِيَاءِ؟!»: آیا می‌دانی که ...

- ۱) نفت از چاه‌ها یا بندرها به پالایشگاه‌ها از راه لوله‌ها منتقل می‌شود؟!
- ۲) نفت چاه‌ها و بنادر از طریق لوله‌ها به پالایشگاه انتقال داده می‌شود؟!
- ۳) از طریق لوله‌ها می‌توان نفت را از چاه‌ها یا بندرها به پالایشگاه‌ها منتقل کرد؟!
- ۴) نفت از بنادر دریا یا چاه‌ها و از طریق لوله به پالایشگاه‌ها منتقل می‌شود؟!

⑨ «أعطانا مفتاح غرفتنا و سألنا عن طعام الفطور قبل خروجنا من الفندق!»:

- ۱) کلید اتاقمان را به من بده و درباره خوراک صبحانه از ما بپرس، پیش از این‌که از هتل خارج شویم!
- ۲) کلید اتاق را دادیم و قبل از خارج شدن از هتل درباره خوراک صبحانه سؤال کردیم!
- ۳) کلید اتاقمان را به ما داد و پیش از خروجمان از هتل درباره خوراک صبحانه از ما سؤال شد!
- ۴) کلید اتاقمان را دادیم و قبل از این‌که از هتل بیرون برویم درباره خوراک صبحانه از ما سؤال شد!

⑩ عَيْنَ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) اِتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ: از آن چه از (جانب) پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شد، پیروی کنید!
- (۲) تُسْتَعْمَلُ الْأَعْشَابُ الطَّيِّبَةُ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ: گیاهان دارویی را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف به کار می‌گیری!
- (۳) سَيُغْلَقُ بَابُ صَالَةِ الْامْتِحَانِ بَعْدَ خَمْسِ دَقَائِقٍ: در سالن امتحان، بعد از ۵ دقیقه بسته خواهد شد!
- (۴) لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَسْطَةِ الْأَنْبِيَبِ تُسْتَعْمَدُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ: برای آسان کردن انتقال نفت به وسیله لوله‌ها، دستگاه‌هایی برای کم کردن فشار به کار گرفته می‌شوند!

⑪ عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ

«لَدَى صُدَاعٍ شَدِيدٍ فَسَأْرَاجِعُ مَعَ وَالِدِي طَبِيبِنَا الْعَائِلِيَّ فَسَوْفَ يَكْتُبُ لِي حُبُوباً مُهْدِئَةً حَتْمًا!»:

- (۱) دچار سردرد شده بودم پس با پدرم به نزد پزشک خانواده مراجعه کردیم، پس او حتماً برایم قرص مسکن تجویز خواهد کرد!
- (۲) من سردرد شدیدی دارم پس به همراه پدرم به پزشک خانوادگی‌مان مراجعه خواهم کرد، پس حتماً قرص‌هایی آرام‌بخش برایم خواهد نوشت!
- (۳) با والدینم به علت سردرد شدیدی که دارم به پزشک خانواده‌مان مراجعه خواهم کرد، پس حتماً او قرص‌های آرام‌بخشی برای من خواهد نوشت!
- (۴) دچار سردرد شدیدی هستم پس به همراه پدرم به سوی پزشک خانوادگی‌مان رجوع خواهم کرد، پس او حتماً برایم قرص مسکن تجویز خواهد کرد!

⑫ «لَوْنُ جُدْرَانِ غَرْفَةٍ نَوْمِي بِنَفْسَجِيٍّ وَ لَوْنُ بَابِهَا أَخْضَرٌ، هَذَا اللَّوْنَانِ مُهْدِئَانِ لِلْأَعْصَابِ!»:

- (۱) در اتاق خواب من دیوارها بنفش و در آن سبزرنگ است، این دو رنگ به اعصاب آرامش می‌دهند!
- (۲) رنگ دیوارهای اتاق خواب من بنفش و در آن سبز است، این دو رنگ، تسکین‌دهنده اعصاب هستند!
- (۳) رنگ دیوارهای اتاق خوابم بنفش و رنگ در آن سبز است، این دو رنگ، آرام‌کننده اعصاب هستند!
- (۴) دیوارهای اتاق خوابم رنگ بنفش دارد و رنگ در آن سبز است، این دو رنگ، اعصابم را تسکین می‌دهند!

⑬ عَيْنَ الْخَطَأِ:

- (۱) عاقل گفته کسی را که دروغ می‌گوید، باور نمی‌کند! ما صدقَ العاقلِ قولَ الَّذِي يَكْذِبُ!
- (۲) عقل سالم در بدن سالم است: العقل السليم في الجسم السليم!
- (۳) رضای خدا در رضای والدین است: رضا الله في رضا الوالدين!
- (۴) آن معلم، دانش‌آموزان کوشا را دوست دارد: تلك المعلمة تحب الطالبات المُجِدَّات!

⑭ عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (۱) الغواصون شاهدوا الأسماك المضيئة في أعماق المحيط! غواصان ماهیان نورانی را در عمق اقیانوس‌ها دیدند!
- (۲) يُحَدَّرُ الْغُرَابُ حَيَوَانَاتِ الْغَابَةِ عَنْ خَطَرِ الصِّيَادِينَ فِي الْغَابَةِ! کلاغ به شکارچیان از خطر حیوانات جنگل هشدار می‌دهد!
- (۳) إِنَّ لِسَانَ الْقَطِّ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تَفْرُزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا! قطعاً زبان گربه پر از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کند!
- (۴) إَعْلَمُ أَنَّ عَيْنَ الْبُومَةِ لَا تَتَحَرَّكُ فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ! بدان که جغد چشمش حرکت نمی‌کند، پس همانا آن ثابت است!

۱۵) «هذه الحيوانات قد ساعدت الإنسان لمعرفة الخواص الطبية لكثير من النباتات البرية!»:

- ۱) این حیوانات انسان را برای شناخت خواص پزشکی بسیاری از گیاهان صحرايي کمک کرده‌اند!
- ۲) این حیوانات هستند که انسان را برای شناخت خاصیت‌های طبي بسیاری از گیاهان خشکی کمک می‌کنند!
- ۳) این حیوان‌ها انسان را برای تشخیص خواص زیاد درمانی از گیاهان صحرايي یاری می‌کنند!
- ۴) انسان به‌واسطه کمک این حیوان‌ها به خواص درمانی بسیاری از گیاه خشکی پی برده است!

۱۶) عین الصحیح فی الترجمة:

- ۱) لا تتحرك عينها فإنها ثابتة! چشمش را حرکت نمی‌دهد، زیرا آن ثابت است!
- ۲) قد تدیر عينها في اتجاهات مختلفة! گاهی چشمانش در جهت‌های مختلفی می‌چرخد!
- ۳) يؤثر هذا الزيت الخاص على جسم البطة! بر جسم مرغابی این روغن خاص تأثیر می‌گذارد!
- ۴) للبطة غدة بالقرب من ذنبها تحتوى زيتاً خاصاً! مرغابی غده‌ای نزدیک دمش دارد که روغن خاصی را منتشر می‌کند!

۱۷) «گیاهان دارویی برای پیشگیری از بیماری‌های گوناگون به کار می‌روند و برخی حیوانات انسان را برای شناخت آنها راهنمایی می‌کنند!»:

- ۱) تستعمل الأعشاب الطبية للوقاية من الأمراض المختلفة و تدل بعض الحيوانات الإنسان على تعرفها!
- ۲) استعمل النبات الطبي للمنع من الأمراض المختلفة و دلت بعض الحيوانات الإنسان على تعريفها!
- ۳) تستعمل النبات الطبي للمنع من الأمراض المختلفة و تدل بعض الحيوانات الإنسان على تعرفها!
- ۴) استعمل الأعشاب الطبية للوقاية من أنواع الأمراض و دلت الحيوانات بعضها الإنسان على التعرف!

«لِسَانَ الْقَطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطَّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَهُمْ!»: زبانه گربه ...

- ١) پر از غده‌هایی است که مایعی شفاف ترشح می‌کند، پس گربه زخمش را بارها می‌لیسد تا مداوا شود!
- ٢) از غده‌هایی پر شده است که مایعی پاک‌کننده ترشح می‌کنند و گربه زخم‌هایش را چندین بار می‌لیسد تا خوب شود!
- ٣) پر از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده ترشح می‌کند، پس گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا بهبود یابد!
- ٤) از غده‌هایی که مایعی پاک‌کننده ترشح می‌کند، پر شده است و گربه زخم‌هایش را چند بار می‌لیسد و بهبود می‌یابد!

١٩) ما هو الصحيح في الترجمة؟

- ١) «إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا»: همانا ما طمع می‌ورزیم که پروردگار، گناهانمان را ببخشد!
- ٢) «الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ!»: حسادت، نیکی‌ها را می‌خورد، همان‌طور که آتش، هیزم را می‌خورد!
- ٣) «يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ»: می‌خواهند که از سرزمین شما خارج شوند، پس چه امر می‌کنید؟!
- ٤) «كَانَ جُرْحُ ذَلِكَ الْجَنْدِيِّ يَلْتَهُمْ!»: زخم آن سرباز التیام می‌یابد!

٢٠) «يَنْبَعثُ ضَوْءُ الْمَصَابِيحِ فِي أَعْمَاقِ الْمَحِيطِ مِنَ الْأَسْمَاقِ الْمَضِيئَةِ!»:

- ١) نور چراغ‌ها در اعماق اقیانوس از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود!
- ٢) ماهی‌های روشن در اعماق دریا، نور چراغ‌ها را می‌فرستند!
- ٣) نور چراغ‌های اعماق اقیانوس از ماهی‌های نورانی گرفته می‌شود!
- ٤) نور ماهی‌های نورانی در اعماق اقیانوس‌ها ارسال می‌شود!

٢١) عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

«لَقَدْ كَانَ نَبِيْنَا يَاْمُرُنَا أَلَّا نَسْبَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ»:

- ١) همانا پیامبر، ما را دستور می‌داد که به آنانی که به جای خدا فرا می‌خوانند دشنام ندهیم؛ پس آنان خداوند را دشنام خواهند داد.
- ٢) بی‌گمان پیغمبرمان به ما می‌فرماید تا ناسزا نگوییم به کسانی که غیر خدا را فرا می‌خوانند؛ پس به خداوند دشنام داده می‌شود.
- ٣) قطعاً پیامبر ما را دستور داده است تا ناسزا نگوییم به آنانی که غیر خدا را فرا می‌خوانند؛ در نتیجه به خدا دشنام می‌دهند.
- ٤) همانا پیغمبرمان به ما می‌فرمود که دشنام ندهیم کسانی را که غیر خدا را فرا می‌خوانند؛ در نتیجه خدا را دشنام می‌دهند.

٢٢) «أَنْظُرْنَ بَدْقَةً؛ أَنْتَنَّ تَشَاهِدْنَ سَقُوطَ الْأَسْمَاقِ مِنَ سَمَاءِ الْمَدِينَةِ، كَأَنَّ سَمَاءَنَا تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ.»:

- ١) با دقت نگاه کنید، شما افتادن ماهی‌ها را از آسمان شهر می‌بینید؛ گویی آسمان ما، ماهی‌هایی می‌بارد.
- ٢) به دقت نگاه کردید؛ شما فروافتادن ماهی‌ها را از آسمان شهرمان مشاهده می‌کنید؛ گویی آسمان ماهی‌هایی می‌بارد.
- ٣) با دقت نگاه کنید؛ شما سقوط ماهی از آسمان شهر را مشاهده کردید؛ مثل اینکه آسمان ما، ماهی‌هایی می‌بارد.
- ٤) با دقت نگاه کردید، شما فرو افتادن ماهی‌ها از آسمان شهر را مشاهده کردید، مثل اینکه از آسمان ما، ماهی می‌بارد.

﴿٢٣﴾ «هَلْ تَعْلَمُ أَنْ عَمِيلَ الْعَدُوِّ يُحَاوِلُ أَنْ يُبْعِدَ خُمْسَ مُسْلِمِي الْعَالَمِ عَنِ الْوَحْدَةِ لِأَنَّهُ يَنْتَفِعُ مِنْ هَذِهِ الْأَعْمَالِ؟!»: آیا می‌دانی که

...

- ١) مزدور دشمن تلاش می‌کند که یک‌پنجم مسلمانان جهان را از وحدت دور کند، زیرا او از این کارها سود می‌برد؟!
- ٢) تلاش دشمن مزدور دورساختن یک‌پنجم مسلمانان جهان از وحدت است، برای این که او با این کارها سود می‌برد؟!
- ٣) مزدور دشمن تلاش می‌کند تا پنج درصد مسلمانان دنیا را از یکپارچگی دور سازد برای این که از این کار منفعت می‌برد؟!
- ٤) مزدور دشمنی است که تلاش می‌کند پنج درصد مسلمانان جهان را از متحد بودن دور سازد، زیرا او از این کارهای سود خواهد برد؟!

﴿٢٤﴾ «إِلَهِي؛ أَخِي ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ أَضَاعَ عَمْرَهُ فَاعْفِرْ لَهُ لِأَنَّ مَنْ مَاتَ وَ مَا انْتَبَهَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ.»:

- ١) خداوندا برادرم به خودش ستم کرد و عمرش را تباه کرد؛ پس او را ببخشای؛ زیرا نباید داخل بهشت شود هر کس مرد و باخبر نگشت.
- ٢) خدایا برادری به خود ظلم کرد و عمر خود را نابود کرد؛ او را بیامرز؛ زیرا هر آن که درگذشت و آگاه نشد به بهشت داخل نمی‌گردد.
- ٣) خدای من برادرم به خودش ستم کرد و عمر خود را تباه کرد؛ پس بیامرزش، زیرا هر کس مرد و آگاه نشد داخل بهشت نمی‌شود.
- ٤) خداوندا برادرم به خود ظلم کرد و عمرش را نابود کرد؛ او را بیامرز؛ زیرا به بهشت داخل نمی‌گردد هر که درگذشت و باخبر نشد.

﴿٢٥﴾ عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ١) «لَا تَمُوتُ جَاهِلًا؛ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَعْزُرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْجَهْلِ»: با نادانی نمیر؛ زیرا خدا بر نادانی عذر مؤمنان را نمی‌پذیرد!
- ٢) «إِحْدَى صَدِيقَاتِي تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ أَقَلَّ مِنْ سَبْعِ سَاعَاتٍ»: یکی از دوستانم در یک روز کمتر از هفت ساعت می‌خوابد!
- ٣) «فَاصْبِرْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ»: پس بردبار باش. همانا نوید خداوند درست است و برای گناهانت آمرزش بخواه!
- ٤) «لَا يَقْبَلُ شَعْبَنَا الْإِيرَانِيَّ أَيْ ضَغَطٍ مِنْ جَانِبِ الْأَجْنَبِيِّ»: ملت ایرانی ما هیچ فشاری را از طرف بیگانگان نخواهد پذیرفت.

﴿٢٦﴾ «در باغ ما درختان بزرگ از دانه‌هایی کوچک رشد کرده‌اند»:

- ١) شجرة كبيرة نمت من حبة صغيرة في الحديقة.
- ٢) في حديقةنا قد نمت الأشجار الكبيرة من حبات صغيرة.
- ٣) قد تنمو أشجار كبيرة من حبة صغيرة في بستاننا.
- ٤) في بستاننا كانت قد نمت الأشجار الكبيرة من حبات قليلة.

﴿٢٧﴾ «أنا أنظرُ إلى الشمسِ التي جَدَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فيها ضياءٌ و في الجوّ مثل الشَّررةِ.»:

- ١) من به خورشید نگاه کردم که پاره آتش آن نورانی است، در آن نوری است و در هوا مانند اخگر است.
- ٢) من به خورشید نگاه می‌کنم که پاره آتش آن فروزان است، در آن روشنایی است و در هوا مانند پاره آتش است.
- ٣) به خورشید نگاه کن که پاره آتش آن فروزان است، در آن نوری است و در هوا مانند اخگر است.
- ٤) به خورشید که پاره‌های آتش آن حرارت بخش است و در آن روشنایی است و در هوا مانند اخگراهاست، نگاه می‌کنم.

﴿٢٨﴾ «أُنظِرُ لِلتَّلِكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ العُصُونِ النَّضِرَةِ الَّتِي نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ و قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا التَّمْرَةَ.»:

- ١) به آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کن که از دانه‌ای رشد کرد و بگو کیست این کسی که از آن میوه را بیرون می‌آورد.
- ٢) به آن درخت نگاه می‌کنم دارای شاخه‌های سرسبز است از دانه‌ای می‌روید و بگو این کیست که از آن میوه را خارج می‌کند.
- ٣) به آن درخت نگاه کن که دارای شاخه‌های سرسبز است از دانه‌هایی روید و بگو این کیست که از آن میوه‌ها را خارج می‌کند.
- ٤) به آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کردم از دانه‌ای رشد کرد و بگو این چیست که از آن میوه خارج می‌شود.

﴿٢٩﴾ عَيْنِ الخَطَا:

- ١) «هل تُصَدِّقِينَ مطالب هذه المجلَّة العِلْمِيَّةِ حول الأسماك؟!»: آیا مطالب این مجله علمی درباره ماهی‌ها را باور می‌کنی؟! «تكلَّمْتُ مع أَسْرَتِي حَوْلَ ذَهَابِي إِلَى الجَامِعَةِ فِي بِلَدٍ بَعِيدٍ.»: با خانواده‌ام درباره رفتنم به دانشگاه در شهری دور صحبت کردم.
- ٢) «فِي يَوْمِ السَّبْتِ جَاءَ ثَمَانِيَةَ ضُيُوفٍ إِلَى بَيْتِنَا بِالحَافِلَةِ.»: در روز شنبه، هشت میهمان با اتوبوس به خانه ما آمدند.
- ٣) «قَد رَقَدَ فِي المُسْتَشْفَى أَحَدَ عَشَرَ مَرِيضًا بِمَدَّةٍ تِسْعَةَ أَيَّامٍ.»: در بیمارستان یازده مریض به مدت شش روز بستری شدند.

﴿٣٠﴾ «يَكِي از هم میهنان برای من نوزده مروارید مانند ستارگان تابان (نورانی) می‌آورد.»:

- ١) أَحَدُ المَوَاطِنِينَ يَجْلِبُ تِسْعَةَ عَشَرَ دُرًّا كَالكَوَاكِبِ المَسْتَعْرَةِ. ٢) كَانَتْ إِحْدَى المَوَاطِنَاتِ تَجْلِبُ لِي تِسْعَةَ عَشَرَ دُرًّا كَالأَنْجَمِ المَنْهَمَرَةِ.
- ٣) كَان أَحَدُ المَوَاطِنِينَ يَجِيءُ بِتِسْعَةَ عَشَرَ دُرًّا كَالكَوَاكِبِ ٤) جَاءَتْ إِحْدَى المَوَاطِنَاتِ بِتِسْعَةَ عَشَرَ دُرًّا كَالأَنْجَمِ المَسْتَعْرَةِ لِي.

﴿٣١﴾ «در روز سه‌شنبه، ششمین صفحه از کتاب شیمی را در بیست دقیقه خواندم.»:

- ١) فِي يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ، قَرَأْتُ الصَّفْحَةَ السَّادِسَةَ مِنْ كِتَابِ الكِيمِيَاءِ فِي عَشْرِينَ دَقِيقَةً.
- ٢) فِي يَوْمِ الأَرْبَعَاءِ، قَرَأْتُ الصَّفْحَةَ التَّاسِعَةَ مِنْ كِتَابِ الكِيمِيَاءِ فِي عَشْرَةِ دَقَائِقَ.
- ٣) فِي يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ، أَقْرَأُ الصَّفْحَةَ السَّادِسَةَ مِنْ كِتَابِي لِلكِيمِيَاءِ فِي عَشْرِينَ دَقَائِقَ.
- ٤) فِي اليَوْمِ الثَّلَاثِ، قَرَأْتُ سِتَّ صَفْحَاتٍ مِنْ كِتَابِ الكِيمِيَاءِ فِي عَشْرِينَ دَقِيقَةً.

۳۲) ترجمه صحیح را مشخص کنید.

«صَرَخَ أَحَدُ الطَّلَّابِ: احْتَرَقَتِ السَّفِينَةُ، لَا رَجَاءَ لِلنَّجَاةِ. عَلَيْكُمْ بِالْمَحَاوَلَةِ وَ الْمُواصَلَةِ.»

- ۱) یکی از دانشجویان فریاد می‌زند: کشتی آتش می‌گیرد، هیچ امیدی برای نجات نیست. بر شما تلاش و ادامه دادن لازم است.
- ۲) یکی از دانشجویان فریاد زد: کشتی آتش گرفت، هیچ امیدی برای نجات نیست. شما باید تلاش کنید و ادامه دهید.
- ۳) یک دانشجو فریاد زد: کشتی‌ها آتش گرفتند، ما امیدی برای نجات نداریم. شما باید با تلاش کارهایتان را ادامه دهید.
- ۴) دانشجویان کسی را صدا زدند که کشتی آتش گرفت، هیچ امیدی برای نجات نداریم. چرا شما تلاش نمی‌کنید و ادامه نمی‌دهید.

۳۳) کدام عبارت درست ترجمه شده است؟

- ۱) جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛ عَلَيْكُمْ بِالذَّهَابِ لِصُنْعِهَا: پل‌های بسیاری باقی خواهد ماند، شما باید برای ساختن آن‌ها بروید.
- ۲) عِنْدَمَا وَصَلْنَا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ فَرِحْنَا كَثِيرًا: هنگامی که به جزیره ناشناخته‌ای می‌رسیم، بسیار خوشحال می‌شویم.
- ۳) أَنْتِ أَفْضَلُ الطَّالِبَاتِ فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ؟: آیا تو بهترین دانش‌آموزان در این روستا هستی؟
- ۴) يَخْتَرِعُ إِدِيْسُونُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ شَيْءٍ: ادیسون بیش از هزار چیز، اختراع کرد.

۳۴) ترجمه کدام گزینه به عربی صحیح است؟

- ۱) قطعاً محبوب‌ترین رنگ‌ها برای چشم، رنگ طبیعی است: إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ لِلْعَيْنِ، الْأَلْوَانِ الطَّبِيعِيَّةَ.
- ۲) مسافر خواست پولش را به شخص امانت‌داری بدهد: أَرَادَ الْمَسَافِرُ تَسْلِيمَ نَقُودِهَا إِلَى شَخْصٍ أَمِينٍ.
- ۳) آزمایشگاهی کوچک در خانه‌اش ساخت: صَنَعَ مَخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ.
- ۴) دانش‌آموزان دختر و پسر با خوشی به مدرسه می‌رفتند: قَدْ يَذْهَبُ الطَّلَّابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ.

۳۵) عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«أَوْجَدَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمِرَةَ الشَّمْسِ الَّتِي فِيهَا ضِيَاءٌ وَ جَدْوَةٌ.»

- ۱) خداوند کسی است که نعمتهایش ریزان و روان است خورشیدی که در آن نور و پاره آتش است به وجود آورد!
- ۲) خداوند است که نعمتهایش ریزان و روان است خورشید را با نور و پاره آتش به وجود آورده است!
- ۳) خداوندی که نعمتهایش ریزان و روان است خورشید را که در آن روشنایی و اخگر است پدید می‌آورد!
- ۴) خداوندی که نعمتهایش ریزان و روان است خورشیدی که در آن نور و پاره آتش است، پدید آورد!

۳۶) «هَذِهِ السَّنَةُ مَعَ قِرَاءَةِ الْكِتَابِ الْعَرَبِيِّ عَلِمْتُ أَنَّ النَّمْلَةَ تَقْدَرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً!»

- ۱) این سال با خواندن کتاب عربی دانستم که مورچه قادر به حمل چیزهایی می‌باشد که پنجاه برابر وزنش است!
- ۲) امسال با خواندن کتاب عربی دانستم که مورچه می‌تواند چیزی را که پنجاه برابر بالاتر از وزنش است حمل کند!
- ۳) این سال با خواندن کتاب عربی می‌دانم که مورچه توانایی حمل چیزی که پنج برابر وزنش است را دارد!
- ۴) امسال با خواندن کتاب عربی دانستم که مورچه‌ها می‌توانند چیزی پنج برابر بالاتر از وزن خود را حمل کند!



- ١) «كان هؤلاء الرجال يأخذون أموالنا منا في بيوتنا»: این مردان اموالمان را از ما در خانه‌هایمان می‌گرفتند.
- ٢) «يا أيها الذين آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟!». ٣) «أنظر إلی ما قال و لاتنظر إلی من قال»: به آنچه گفته است بنگر و به آن که گفته است ننگر!
- ٤) «قدم عشرة سائح بطاقتهم للشرطي في الساعة السابعة صباحاً»: ساعت هفت صبح، دهمین گردشگر بلیت خود را به پلیس داد!

٣٨) «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.»:

- ١) اِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا. ٢) اِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.
- ٣) اِعْتَصِمَا بِحَبْلِ الْإِلَهِيِّ مَعًا وَلَا تَفَرَّقَا. ٤) جَمِيعَكُنَّ اِعْتَصِمْنَ بِحَبْلِ اللَّهِ وَلَا تَفَرَّقْنَ.

٣٩) عین الخطأ فی الترجمة:

- ١) واحدة و تسعون قرية: شصت و یک روستا ٢) أربعة و سبعون كتاباً: هفتاد و چهار كتاب
- ٣) الثامنة عشرة من الطالبات: هجدهمین (نفر) از دانش‌آموزان ٤) اثنان و ثمانون عاماً: هشتاد و دو سال

٤٠) ترجمه صحیح کدام است؟

«عصفت رياحٌ شديدةٌ و انكسرت السفينةُ و قال الطالبُ لا رجاءَ لنجاتنا!»

- ١) باد شدید وزیده شد و کشتی شکست و دانش‌آموز گفت امیدی به نجات نیست!
- ٢) بادهای شدیدی وزید و کشتی شکست و دانش‌آموزان گفتند هیچ امیدی به نجات ما نیست!
- ٣) بادهای شدیدی وزید و کشتی آتش گرفت و دانش‌آموزان گفتند امید به نجاتمان نداریم!
- ٤) باد شدیدی می‌وزید و در حالیکه کشتی آتش گرفت، دانش‌آموزی گفت هیچ امیدی به نجات ما نمی‌باشد!

٤١) ترجمه صحیح را انتخاب کن:

- ١) فی صباح أحد الأيام يطرق رجالٌ باب بيتِ معلمٍ: در صبح یکی از روزها مردی در خانهٔ معلمی را می‌کوبد.
- ٢) عندنا مشكلةٌ و حلها بأيدٍ بكن: مشکلی داریم و حل شدن آن به دست توست.
- ٣) اصنعوا جداراً خشبياً بينهم سريعاً: باسرعت دیواری چوبی میان ما بسازید.
- ٤) الرجالُ يعبرون الجسورَ و يقبلون أحاهم: مردان از پل‌ها عبور می‌کنند و برادرشان را می‌بوسند.

٤٢) ترجمه صحیح را مشخص کنید:

- ١) أسرةٌ سجّاد ما رجعت من المستشفى: سجاد خانواده‌اش از بیمارستان برنگشتند!
- ٢) السيارةُ كانت سرعتها عند التصادم كثيرةً: ماشین سرعتش هنگام تصادف زیاد بود!
- ٣) شرح الشرطيّ إشارات المرور للطالبات: پلیس علامت راهنمایی و رانندگی را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد!
- ٤) هل تعلم أن دوران السيارات إلى اليسار ممنوع؟! آیا می‌دانی که گردش ماشین‌ها به راست ممنوع است?!

۴۳ عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعریب:

«كان أبي يُعین الضّعفاء علی شدائد الدهر و ما أتاه أحدٌ فی حاجته فردّه مأیوساً». پدرم ...

- ۱) تمام بیچارگان را کمک کرده بود و در سختی‌های روزگار هیچ کس با خواسته‌اش نزد او ناامید برنگشت.
- ۲) ناتوانان را بر سختی‌های روزگار یاری می‌کرد و کسی نزد او با خواسته‌اش نیامد که او را ناامید برگرداند.
- ۳) ناتوانی را بر سختی روزگار یاری می‌کند و کسی در حاجتی به او مراجعه نکرده و او را ناامید برنگردانده است.
- ۴) در سختی‌های روزگار ناتوانان را کمک می‌کرد و کسی با خواسته‌اش نزد او می‌آمد او را ناامید نمی‌کرد.

۴۴ «تختی چوبی داشتم که برادرم آن را برایم ساخته بود.»:

- ۱) كان عندي سريرٌ خشبيٌّ صنعَه أخي لي.
- ۲) عندي سريرٌ خشبيٌّ صنعها أخي لي.
- ۳) كان عندي سريرٌ من الخشبِ صنعَه الأخ لي.
- ۴) كان لي سريرٌ خشبيٌّ يصنعه أخي عندي.

۴۵ عین الخطأ فی المفهوم:

- ۱) الدهر يومان؛ يومٌ لك و يومٌ عليك: گهی پشت به زین و گهی زین به پشت!
- ۲) عداوة العاقل خيرٌ من صداقة الجاهل: تنهایی بسی به ز هم‌جالس بدا!
- ۳) العالم بلا عملٍ كالشجر بلا ثمر: علم چندان که بیشتر خوانی / چون عمل در تو نیست نادانی
- ۴) «ليس للإنسان إلّا ما سعى»: به منزل رسید آنکه پوینده بود / بهی یافت آن‌کس که جوینده بود

۴۶ عین الصحیح:

- ۱) ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ...﴾: پس برای اینکه پروردگار این خانه را بشناسند.
- ۲) نَطَفَتِ الْأُمُّ عُرْفَةَ بِنْتِهَا فَصَارَتِ الْعُرْفَةُ نَظِيفَةً: مادر اتاق دخترش را تمیز کرد و اتاق تمیز شد.
- ۳) ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾: به عهد وفا کردند زیرا عهد مسئول بود.
- ۴) تُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً بَعْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ مِنَ السَّمَاءِ: زمین سرسبز شده است پس از باران فرستاده‌شده از آسمان.

۴۷ عین الخطأ:

- ۱) ﴿لَا تَحْزَنَ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾: ناراحت نشو قطعاً خدا با ماست.
- ۲) تَكَلَّمْتُ مَعَ أُخْتِي لِتَعْلَمَ كَيْفَ يُمْكِنُ النِّجَاحُ فِي بَرَامِجِهَا: با خواهرم صحبت کردم که باید بداند چگونه موفقیت در برنامه‌اش ممکن است.
- ۳) ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَّارِيَةَ لِسَيَّارَتِي: به مغازه رفتم تا یک باتری برای ماشینم بخرم.
- ۴) ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾: مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.

٤٨) عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

«وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»:

- ١) و نعمت خداوند را به یاد آوردید آن زمان که دشمن یکدیگر بودید، پس بین قلب‌های شما مهربانی ایجاد کرد. پس به وسیله نعمتش برادر شدید!
- ٢) و نعمت خداوند را درباره خودتان به یاد آورید آن گاه که دشمن بودید، پس میان قلب‌هایتان الفت ایجاد کرد. پس به نعمت او برادر شدید!
- ٣) و نعمت خداوند را بر خودتان به یاد بیاورید زیرا آن گاه که دشمن بودید با ایجاد کردن مهربانی بین قلب‌هایتان و به وسیله نعمت او برادر شدید!
- ٤) آن زمان که دشمن بودید بین قلب‌هایتان مهربانی ایجاد شد و با نعمت او برادر شدید پس نعمت خداوند را به یاد آوردید!

٤٩) عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ: «عَلَيْكَ أَنْ تَقَوْمَ بِكَلِّ أَمْرٍ فِي وَقْتِهِ الْمُنَاسِبِ حَتَّى لَا يُنْسَى فَتَفُوقَ الْفُرْصَةَ!»

- ١) بر توست به تمام یک کار در زمان مناسب آن بپرداز تا اینکه از یاد نرود، بعدش فرصت را از دست بدهی!
- ٢) لازم است هر کاری را در زمان مناسبش انجام دهی تا فراموش نشود، در نتیجه فرصت را از دست بدهی!
- ٣) در وقت مناسب به هر یک از کارهایت اقدام کن تا این که فراموشش نکنی و فرصت آن خاتمه یابد!
- ٤) اقدام متناسب با هر امری را به وقتش انجام بده، قبل از اینکه دچار فراموشی شوی و زمان بگذرد!

٥٠) عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«كَانَ هَؤُلَاءِ الرِّجَالُ يُجِبُّونَ الْفُقَرَاءَ وَيَعْرِفُونَ قَدْرَ كِبَارِهِمْ وَمَا رَأَيْتُ أَجُودَ وَلَا أَكْرَمَ مِنْهُمْ!»:

- ١) این مردان هستند که فقیران آنها را دوست می‌داشتند و قدر بزرگ‌ترها را می‌دانستند و بخشنده‌ترین و گرامی‌ترینشان را ندیده بودم!
- ٢) این مردان فقیران را دوست می‌داشتند، و قدر بزرگانشان را می‌دانستند و بخشنده‌تر و (نه) گرامی‌تر از آنها ندیده بودم!
- ٣) اینان مردانی بودند که فقیران را دوست می‌داشتند، و قدر بزرگان خود را می‌دانستند و بخشنده‌تر و گرامی‌تر از آنها ندیده بودم!
- ٤) این مردان فقیران را دوست می‌دارند و قدر بزرگ‌ترهایشان را می‌دانستند و بخشنده‌ترین و (نه) گرامی‌تر از آنها ندیده بودم!

٥١) عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ١) مَنْ هَرَبَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ يُوَاجِهَ صُعُوبَاتٍ: هر کس از واقعیت بگریزد با سختی‌هایی مواجه خواهد شد (می‌شود) که،
- ٢) تَضَطَّرَهُ إِلَى الْكِذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ: بارها مجبور به دروغ‌گویی می‌شود، (اضطرار: مجبور کرد)
- ٣) وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَّبِعُنُ كِذْبَهُ لِجَمِيعٍ: و پس از آن دروغش برای همه آشکار می‌شود،
- ٤) ثُمَّ يَفْشَلُ فِي حَيَاتِهِ فَكُنْ صَادِقًا!: سپس در زندگیش شکست می‌خورد پس راستگو باش!

۵۲ عین الصحیح فی الترجمة:

- ۱) قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ لَتَعْتَمِدَ الْقُدْرَةُ عَلَى الْعَقْلِ! قدرت قبل از هر چیز بر عقل تکیه دارد!
- ۲) نَعْلَمُ كَثِيرًا مِنَ الْأَشْيَاءِ وَ لَكِنَّهَا لَيْسَتْ فِي ذَاكِرْتِنَا! با این که خیلی چیزها را می دانیم ولی آن ها را به یاد نمی آوریم!
- ۳) إِنَّ الْأُسْرَةَ مُؤْتَرَةٌ كَثِيرًا فِي تَرْبِيَةِ أَبْنَائِهَا بِلَا شَكٍّ! بدون تردید خانواده ها تأثیر فراوانی در تربیت فرزندان شان خواهند داشت!
- ۴) كَيْفَ قَدْرَتْ أَنْ تَحْفَظَ الْوَرْدَةَ فِي هَذَا الْجَوِّ الْحَارِّ؟ در این هوای گرم چگونه توانستی گل را نگاه داری؟

۵۳ عین الخطأ:

- ۱) «سامحینی، أنتِ علی الحقّ و أُبدل لك البطاقة»: به من اجازه بده، حق با شماست. بلیط (کارت) را برایت عوض می کنم.
- ۲) «اللهم إني أعوذ بك من نفسٍ لا تشبع»: خدایا پناه می برم به تو از نفسی که سیر نمی شود.
- ۳) «اشترت أختی لی فستاناً قد شاهدته فی السوق أمس.»: خواهرم برایم پیراهن زنانه ای خرید که دیروز در بازار آن را دیده بود.
- ۴) «لم يستمع الطالب إلى كلام مدرّس الكيمياء في المختبر، فرسب في ذلك الدّرس.»: دانش آموز به سخن معلّم شیمی در آزمایشگاه گوش فرا نداد، پس در آن درس مردود شد.

۵۴ عین الصحیح:

- ۱) «رأيتُ ولداً يمشي في الشارع مع أمّه و كانت في يده حافلة صغيرة»: پسری را دیدم که در خیابان با مادرش رفت و در دستش ماشینی کوچک بود.
- ۲) «عصفت رياحٌ شديدة خربت بيوتاً جنب شاطئ البحر»: بادهایی شدید وزید و خانه ای را کنار ساحل دریا خراب کرد.
- ۳) «لن تنالوا البرّ حتّى تُنفقوا ممّا تحبون»: هرگز به نیکی نمی رسید تا از چیزی که دوست دارید انفاق کنید.
- ۴) «عالمٌ ينتفع بعلمه خيراً من ألف عابدٍ»: دانشمندی که از عملش سود برده می شود، بهتر از هزار عبادت کننده است.

۵۵ «گنبدی را دیدم، آن گنبد از آثار قدیمی در شهر اصفهان بود.»:

- ۱) رأيتُ قُبَّةً، كانت القُبَّةُ من الآثار القديمة في مدينة إصفهان.
- ۲) شاهدتُ القُبَّةَ، كانت ذلك القُبَّةُ من آثار القديم في مدينة إصفهان.
- ۳) إني رأيتُ القُبَّةَ، تلك القُبَّةُ كانت من الآثار القديمة في مدينة إصفهان.
- ۴) نظرتُ إلى قُبَّةٍ كانت من الآثار في القديم من مدينة إصفهان.

۵۶) عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

«تَعَادَلَ هَذَانِ الْفَرِيقَانِ مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ وَالْمُنْتَفِرِّجُونَ مِنْ كِلَا الْفَرِيقَيْنِ مَا كَانُوا مَسْرُورِينَ مِنْ هَذِهِ النَّتِيجَةِ!» اَيْنَ دُو تِيمٍ...

- ۱) یک بار دیگر بدون گلی مساوی شدند و تماشاگران از هر دو تیم از این نتیجه خوشحال نبودند!
- ۲) باری دیگر بدون زدن گلی مساوی کردند در حالی که هواداران دو تیم از این نتیجه شاد نشدند!
- ۳) باری دیگر بدون هیچ گلی مساوی شدند حال آنکه تماشاگران دو تیم از نتیجه خوشحال نبودند!
- ۴) یک بار دیگر بدون گلی مساوی کردند و تماشاچیان از هر دو تیم از نتیجه بازی خوشحال نشدند!

۵۷) «كَيْفَ تُمَرِّرُ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهْدِي؟ وَ إِنْ شَكُوْتُنَّ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ...» چگونه ...

- ۱) زندگی را تلخ می کنی حال آنکه تو شیرین سخن هستی؟ و اگر به سوی پرندگان شکایت کنی در لانه‌ها ناله خواهند کرد.
- ۲) زندگی من را تلخ کردی و حال آنکه تو شیرینی به همراه داری؟! و اگر به سوی پرنده شکایت کنید در آشیانه‌ها ناله می کند.
- ۳) زندگی من را تلخ می کنی در حالی که تو آورنده شیرینی هستی؟! و اگر به نزد پرندگان شکایت کنید در لانه‌ها ناله سر می دهند.
- ۴) زندگی مرا تلخ می کنی در حالی که تو شیرین هستی؟! و اگر به سوی پرندگان شکایت کنید در لانه‌ها ناله سر می دهند.

۵۸) عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) عَلَيْنَا بِالْاِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرَبَاءِ حَتَّى تَخْفُضَ الْأَسْعَارَ لَنَا: صرفه‌جویی در مصرف آب و برق بر ما لازم است تا قیمت‌ها برای ما تخفیف داده شود.
- ۲) كَانَتْ الْأُمُّ تَعْلَمُ وَكِدَهَا فَنُونًا ذَاتَ قِيَمَةٍ عَالِيَةٍ وَ تَأْمُرُهُ بِالْمَعْرُوفِ: مادر به فرزندش هنرهایی با ارزشی بالا را آموزش می داد و او را به کار نیک (معروف) دستور می داد.
- ۳) هِنَاكَ نَمَادِجٌ تَرْبِيَةٌ كَثِيرَةٌ فِي الْقُرْآنِ لِيَهْتَدِيَ بِهَا كُلُّ الشَّبَابِ: نمونه‌های تربیتی بسیاری در قرآن وجود دارد تا تمام جوانان به وسیله آن‌ها ارشاد شوند.
- ۴) أَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ وَ كُنْ نَاهِيًا عَنِ الْإِعْجَابِ بِالنَّفْسِ فَذَلِكَ مِنْ أَنْكَرِ الْأَعْمَالِ: از صدای خودت چشم‌پوشی کن و از خودپسندی دور شو، چرا که آن از بدترین کارهاست.

۵۹) مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ فِي الْمَفْهُومِ لِلْبَيْتِ التَّالِيِ؟

«اگر دانا بود خصم تو بهتر / که با نادان شوی یار و برادر»

- ۱) إعجاب المرء بنفسه دليل على ضعف عقله.
- ۲) عداوة العاقل خير من صداقه الجاهل.
- ۳) الصديق من كان ناهياً عن الظلم و العدوان.
- ۴) يا بني اتخذ ألف صديق و الألف قليل!

۶۰) «خدایا همان گونه که آفرینش را نیکو نمودی، خلق و خویم را نیکو گردان!»:

- ۱) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خَلْقِي!
- ۲) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خَلْقِي!
- ۳) رَبَّنَا كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خَلْقِي!
- ۴) إِلَهِي حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خَلْقِي!

١) إِيَّاكَ و مُصَادَقَةُ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ:.. تو را از دوستی با نادان برحذر می‌دارم، زیر او خواسته که به نفع تو باشد ولی به تو ضرر زده است.

٢) یا حبیبی! فی هجرک کانت عشیّتی و عِدَاتی سَوَاءً! ای محبوبم، در دوری‌ات روزم و شبم همواره یکسان است!

٣) حَلَّتِ الطَّائِرَةُ حَتَّى تُعَيِّنَ رَكْبًا هَامَتَ فِي الْفُلُوتِ:.. هواپیما فرود آمد تا به کاروانی که در بیابان‌ها تشنه و سرگردان شده بود، یاری رساند.

٤) مَضَى الزَّمَانُ و مَا وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ و آثَرْتُ الْوَحْدَةَ:.. زمان گذشت و من بوی صداقت را نیافتم و تنهایی را دنبال کردم.

«دَخَلَتْ أَلْفَاظٌ فَارِسِيَّةٌ كَثِيرَةٌ اللَّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ وَكَانَتْ هَذِهِ الْأَلْفَاظُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالدِّيَابِجِ!»:

١) الفاظ فارسی بسیاری داخل زبان عربی شد و این الفاظ به برخی کالاهایی مربوط می‌شد که عرب نداشت مثل ابریشم!

٢) الفاظ فارسی بسیاری داخل زبان عربی شد و آن الفاظ به برخی کالاهایی مرتبط می‌شود که نزد عرب نبود مثل ابریشم!

٣) بسیاری از الفاظ فارسی داخل زبان عربی شد و اینها الفاظی بودند که به برخی کالاها مربوط می‌شد که عرب نداشت مثل ابریشم!

٤) الفاظ فارسی بسیاری داخل زبان عربی شده بود و این الفاظ به برخی کالاها مربوط می‌شد که نزد عرب نبود مثل ابریشم!

عین الصّحیح فی التّرجمة: «تضمّ هذه الدّراساتُ أبحاثاً علميّةً وفقاً لتجاربِ الباحثين السابقه عندما نطقوها باللّغة العربيّة.»:

١) این تحقیقات شامل موضوعاتی علمی است که بر طبق تجربه قبلی پژوهشگران است، آن زمانی که آن‌ها را به زبان عربی بیان می‌کردند.

٢) این پژوهش‌ها بحث‌هایی علمی را دربرمی‌گیرد که براساس تجربه‌های پیشین پژوهشگران است زمانی که آن‌ها را به زبان عربی بر زبان آوردند.

٣) این بررسی‌ها دربرگیرنده پژوهش‌های علمی براساس تجربه‌های گذشته تحلیل‌گران است هر وقت که خواستند آن‌ها را به زبان عربی بازگو نمایند.

٤) این‌ها پژوهش‌هایی هستند که موضوعات علمی را دربرمی‌گیرند و این با موافقت تجربه‌های پیشین پژوهش‌گرانی است که آن‌ها را به زبانی عربی بر زبان آورده بودند.

١) قد اشتقت كلماتٍ جديدةً من بعض اللّغات:.. از برخی زبان‌ها کلماتی جدید برگرفته شده است.

٢) هذا الدِّيَابِجُ الْجَمِيلُ لَا يُوجَدُ فِي كُلِّ الْمَدْنِ:.. این یک ابریشم زیباست که در تمام شهرها یافت نشده است.

٣) ازدادت المفردات العربيّة بسبب العاملِ الدينيّ:.. واژگان عربی به خاطر عامل دینی افزایش یافت.

٤) بيّنت المرأةُ رأيها حولَ المشاركةِ في الضيافة:.. زن نظر خود را پیرامون شرکت در مهمانی آشکار کرد.

۶۵) عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

«قَدْ عَاهَدْتُ نَفْسِي أَنْ أَعْمَلَ بِمَا أَعِدُّ، وَ لَا أَنْطِقَ إِلَّا بِمَا فَعَلْتُهُ!»:

- ۱) با خویشتن عهد کردم که هرگز خلف وعده نکنم، و آنچه را نمی‌توانم انجام دهم هرگز نگویم!
- ۲) با خویشتن عهد می‌کنم که آنچه وعده می‌دهم انجام دهم، و آنچه را عمل نمی‌کنم هرگز بر زبان نرانم!
- ۳) با خودم پیمان بسته‌ام که اگر وعده‌ای دادم حتماً عمل کنم، و از گفتن چیزی که انجام نمی‌دهم بپرهیزم!
- ۴) با خودم عهد کرده‌ام که به آنچه وعده می‌دهم عمل کنم و سخن نگویم مگر درباره آن‌چه، آن را انجام داده‌ام.

۶۶) «آیا امروزه جوایز به کسی داده می‌شود که شایستگی آن‌ها را دارد؟»:

- ۱) أ تَمْنَحُ الْجَائِزَةَ الَّذِي هَذَا الْيَوْمِ أَهْلٌ لِهَذِهِ!
- ۲) أ يَمْنَحُ الْجَائِزَةَ هَذِهِ الْيَوْمَ لِمَا هُوَ أَهْلٌ لَهَا!
- ۳) هَلْ تُعْطَى الْجَوَائِزَ الْيَوْمَ لِمَنْ هُوَ أَهْلٌ لِتِلْكَ!
- ۴) هَلْ تُعْطَى الْجَوَائِزَ الْيَوْمَ لِلشَّخْصِ الَّذِي يَسْتَحِقُّ لَهَا!

۶۷) عَيْنِ الْعِبَارَةِ الْفَارِسِيَّةِ لَا تُنَاسِبُ الْعِبَارَةَ الْعَرَبِيَّةَ:

- ۱) الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ! گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی!
- ۲) الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ! هر چه پیش آید خوش آید!
- ۳) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ! کم گوی و گزیده گوی چون دُر!
- ۴) الْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ! نمک خورد و نمکدان شکست!

۶۸) عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ:

- ۱) نَظْرَةٌ إِلَى الْمَاضِي تُقَدِّرُ أَنْ تُسَاعِدَنَا فِي الْحَيَاةِ! نگاه به گذشته می‌تواند به ما در زندگی کمک کند!
- ۲) وَصَلْتُ إِلَى قَرْيَةٍ صَغِيرَةٍ يَعْمَلُ النَّاسُ فِي مَزَارِعِهَا! به روستای کوچک رسیدیم که مردم در مزرعه‌هایش کار می‌کردند!
- ۳) لِإِيرَانَ تَارِيخٌ ذَهَبِيٌّ وَ عَلَيْنَا أَنْ نَسْتَفِيدَ مِنْهُ! ایران تاریخ زرینی دارد و ما باید از آن استفاده کنیم!
- ۴) اشْتَرَيْتُ كِتَابًا تَارِيخِيًّا وَ طَالَعْتُ خَمْسِينَ صَفْحَةً مِنْهُ! کتاب تاریخی را خریدم و پنجاه صفحه را مطالعه کردم!

۶۹) «لَنْ يَبْقَى الْإِنْسَانُ فِي حُلُوِّ الْحَيَاةِ أَوْ مَرَّهَا حَتَّى الْآبِدِ، وَ سَيَعْبُرُهُمَا فِي يَوْمٍ مِنَ الْيَوْمِ!»:

- ۱) انسان در شیرینی زندگی یا تلخی آن تا ابد باقی نخواهد ماند، و در روزی از روزها از آن‌دو عبور خواهد کرد!
- ۲) انسان هرگز در شیرینی زندگی یا تلخی آن برای همیشه باقی نمی‌ماند، و روزی از آن‌ها عبور می‌کند!
- ۳) انسان در زندگی تلخ و شیرین تا ابد باقی نخواهد ماند، و در روزی از روزها حتماً از آن‌ها خواهد گذشت!
- ۴) انسان شیرینی زندگی و تلخی آن را تا همیشه باقی نمی‌گذارد، و در یکی از روزها از آن‌دو خواهد گذشت!

۷۰) «أ تَدْرِي بَأَنَّ الطَّائِرَ الطَّنَّانَ إِذَا يُحْرِكُ جَنَاحَيْهِ يُحَدِّثُ طِنِينَ بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَتِهِمَا؟!»:

- ۱) آیا می‌دانی که مرغ مگس اگر دو بال خودش را حرکت بدهد به خاطر سرعت حرکت آن‌ها صدایی ایجاد می‌شود؟!
- ۲) آیا می‌دانی که هرگاه مرغ مگس بال‌هایش را به حرکت در بیاورد به سبب حرکت زیادش صدایی بوجود می‌آید؟!
- ۳) آیا درک می‌کنی که پرنده هرگاه دوبال‌ش حرکت می‌کند صداهایی به سبب سرعت حرکت‌شان ایجاد می‌شود؟!
- ۴) می‌دانم که مرغ مگس به سبب سرعت حرکت، اگر بال خودش را حرکت بدهد از دوبال‌ش صدایی ایجاد می‌کند!

